****

[محصل بحث فرق بین اصول و امارات 1](#_Toc497670623)

[توضیح بیشتر کلام مرحوم سید یزدی: تفصیل بین لوازم و بین ملازمات و ملزومات 2](#_Toc497670624)

**موضوع**: فرق اصول و امارات /تنبیه هفتم /استصحاب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در فرق اصول و امارات در حجیت مثبتات به کلام مرحوم سید یزدی رسید.

محصل بحث فرق بین اصول و امارات

بحث به نکته پایانی اصل مثبت در بیان فرق اصول و امارات از حیث اعتبار مثبتات رسید. بخش عمده این بحث و نیز کلام مرحوم نائینی بیان شد. محصل تقریب ما از فرق اصول و امارات و تأثیرش در اعتبار لوازم این شد که آنچه را که شارع به ملاک کاشفیت و مطابقت با واقع، حجت قرار دهد اماره است و نتیجه این گونه جعلِ حجیت این است که و لو دلیل، نسبت به لوازم قاصر باشد و دلالتش لوازم را شامل نشود (که در غالب موارد همین گونه است و موارد استثناء شده در کلام مرحوم سید یزدی خواهد آمد) باز هم لوازم حجت خواهند بود؛ چون که ملاک حجیت در مورد لوازم هم وجود دارد و این از قبیل تعلیل به امر عام است که اعم از مورد را هم شامل می شود.

اگر هم ملاک حجیت، صرف درصد مطابقت با واقع نباشد (چه این که درصد مطابقت اصلا موضوعیت نداشته باشد و تمام الملاک، مصلحت تسهیل و ترخیص باشد و چه این که علاوه بر ملاک بودن درصد مطابقت، ملاک دیگری هم دخیل باشد.) در این صورت دلیل اثبات کننده مؤدّا، نمی تواند لوازم را اثبات کند و نکته اعتبار مؤدّا هم شامل غیر مدلول مطابقی نمی شود. در نتیجه مثبتات مثل این گونه ادله حجت نخواهند بود، چه اسم آن ها اصل باشد و چه غیر اصل. عنوان اماره یا اصل، موضوع حکمی از احکام قرار نگرفته است و لذا ما به صدد تعیین مفهوم این دو عنوان نیستیم.

گذشت که ممکن است مراد مرحوم نائینی هم همین مطلب باشد و از برخی تقریرات مرحوم صدر نیز همین مطلب بر می آید.

توضیح بیشتر کلام مرحوم سید یزدی: تفصیل بین لوازم و بین ملازمات و ملزومات

بحث در ادامه به کلام مرحوم سید یزدی رسید. ایشان در اعتبار مثبتات، بین اصول و امارات تفصیل نداده اند، بلکه بین انواع مثبتات تفصیل داده اند و در این تفصیل فرقی بین اصول و امارات قرار نداده اند. این کلام ایشان بر خلاف کلام مشهور است که قائل به تفصیل بین مثبتات اصول و امارات شده اند. مرحوم سید یزدی در حجیت برخی مثبتات و نیز عدم حجیت برخی دیگر، فرقی بین اصول و امارات قائل نشده اند.

محصل کلام ایشان این است که لوازم مؤدّا در اصول و امارات حجت است، ولی ملزومات و ملازمات مؤدّا در اصول و امارات حجت نیستند. در مورد لوازم فرقی بین لازمه عقلی و شرعی وجود ندارد. برای مثال در مورد اقامه بیّنه بر حیات و یا استصحاب حیات، می توان علاوه بر ترتب آثار شرعی حیات (عدم انفساخ وکالات، بقاء اموال بر ملکیت)، آثار شرعی لوازمی چون نبات لحیه و جوانی را هم مترتب کرد.

وجه کلام مرحوم سید این است که تعبد به شیء، علاوه بر تعبد به خود آن شیء، تعبد به شئونش نیز می باشد و از طرف دیگر، لوازم یک شیء، جزء شئون آن محسوب می شود. عرفا تعبد به شیء، تعبد به لوازمش هم می باشد. این مطلب بر خلاف کلام مشهور است که نظرشان بر این است که تعبد به شیء صرفا تعبد به خود شیء می باشد. نظر مرحوم سید بر این است که شارع با تعبد به شیء مستقیما تعبد به لوازمش هم داده است و نکته مطلب این است که لوازم یک شیء از شئون آن شیء است.

توجه شود که کلام مرحوم سید این نیست که آثار لوازم، آثار خود شیء است (مطلبی که صاحب کفایه در مورد لوازم خفیه بیان می فرمودند.)، بلکه ایشان ادعا می کنند شارع با تعبد به شیء، تعبد به لوازم عقلی شیء هم داده است.

پس ادعای مرحوم سید این شد که دلیل حجیت در امارات و اصول، علاوه بر مؤدّا، شامل لوازم مؤدّا هم می شود و شارع مستقیما به دو چیز تعبد داده است: مدلول مطابقی و لوازم آن.

حجیت لوازم از این باب نیست که خبر از شیء، خبر از لوازم آن هم می­باشد، بلکه از این باب است که لوازم مورد تعبد شارع است و مشمول دلیل حجیت است.

این مطلب در مورد ملازمات و ملزومات وجود ندارد و تعبد به شیء، تعبد به ملازمات و ملزومات آن نمی­باشد، مگر این که ملازم شیء یا ملزوم آن، جلیّ باشد. البته این استثناء را ایشان در مورد خصوص امارات بیان کرده اند و در مورد اصول عملیه، نفیا و اثباتا مطلبی بیان نکرده اند.

برای ملازم مؤدّا این طور می توان مثال زد که اگر در مورد علم اجمالی به نجاست یکی از دو ظرف، بینه بر نجاست یکی از ظرف ها قائم شد، طهارت ظرف دیگر اثبات نمی شود، اگر چه این طهارت دارای ملازمه با نجاست ظرف دیگر است. البته در این مثال، صرف نظر از عدم حجیت ملازمات بیّنه می توان گفت که بعد از انحلال علم اجمالی، دیگر این علم اجمالی منجّز نیست؛ چرا که شرط تنجز علم اجمالی این است که در یک طرف، منجز خاص وجود نداشته باشد.

برای ملزوم مؤدّا هم این طور می توان مثال زد که در مورد دوران یک مایع بین خمر و آب، بیّنه بر طهارت ملاقی آن مایع، قائم شود که در این صورت طهارت ملاقا اثبات نمی شود؛ اگر چه طهارت ملاقا، ملزوم طهارت ملاقی است.

باید توجه داشت که وجه حجیت مطلق لوازم در کلام مرحوم سید این است که اگر چه عنوان موجودِ در مؤدّا (مثل ما قامت علیه البیّنۀ) بر لوازم صادق نیست ولی دلیل حجیت مؤدا، به خاطر شمولیتش نسبت به شئونِ مؤدّا، حجیت لوازم را هم اثبات می کند، ولی وجه حجیت ملزومات و ملازمات بیّن این است که این ها مصداق خبر یا بیّنه هستند و دلیل حجیت خبر یا بیّنه به اطلاقش شامل این موارد می شود.

به عبارت دیگر گاهی وجه حجیت این است که دلیل حجیت، عنوانی غیر از عنوان مؤدّای دلیل را شامل می شود و گاهی هم، وجه حجیت این است که غیرمؤدّای دلیل، مصداق همان عنوان محقّق در مورد مؤدّا است.